

محبت و نفرت

نېشته:

دکتر ادهم شرقاوی

ترجمه:

خلیل الرحمن خباب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تقدیم به

پدر و مادر گرامی‌ام

برادران بزرگوارم

و همسر مهربانم!

- مترجم

محبت و نفرت

نېشته: دکتر ادهم شرقاوی
ترجمه: خليل الرحمن خباب

محبت و نفرت

نیشته:

دکتر ادهم شرقاوی

ترجمه:

خلیل الرحمن خباب

ناشر:

نشر عنبر

تاریخ انتشار:

زمستان ۱۴۰۲

ایجاد هر نوع تفسیر بدون اجازه مترجم، مجاز نمی باشد و خیانت محسوب می گردد!



لینک های مفید اسلامی:

نشر عنبر: [@NashreAnbar](#)

کانال فارسی دکتر ادهم شرقاوی: [@DrSharqawi](#)

کانال تلگرام خلیل الرحمن خباب: [@Khademulislam](#)

کتابخانه قلم: [@Qalamlr](#)

کتابخانه اقرار: [@iqraaLib](#)

وبسایت سنت مدیا: [sunnat-media.ir](#)



نشر عنبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام بخاری رحمه الله در صحیح خود روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله به کاکای خود فرمودند:

«ای عباس! آیا از محبت «مُغِيث» به «بریره» و نفرت بریره از مغیث، تعجب نمی کنی؟»^۱.

«بریره»، کنیزی از انصار بود و شوهری به نام «مغیث» داشت.

دل بریره هوای آزادی کرد؛ برای همین از اربابانش خود

را مُکَاتَب^۲ نمود و از ام المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها خواست

تا در پرداخت هزینه آزادی اش او را کمک کند.

زمانی که بریره اولین نفس های آزادی را می کشید، در

مورد ازدواج خود فکر کرد.

^۱. صحیح البخاری (۵۲۸۳).

^۲. مکاتب، به برده و کنیزی گفته می شود که خود را در مقابل پرداخت مبلغی آزاد می کند. (مترجم).

محبت و نفرت

وقتی کنیز آزاد شود، شریعت برایش اختیار می‌دهد که نزد شوهر قبلی‌اش بماند یا از او جدا شود.

بریره تصمیم گرفت از مغیث جدا شود!

مغیث گریه‌کنان در کوچه‌های مدینه به دنبال بریره راه می‌افتاد و از او خواهش می‌کرد که نزدش برگردد، اما دل بریره به حال مغیث نمی‌سوخت و به حال غمگسارش رحم نمی‌کرد.

هنگامی که مغیث از بازگشت بریره ناامید شد، به دنبال رحمت هدیه‌شده [از سوی خدا؛ یعنی رسول‌الله ﷺ]^۱ رفت و از او خواست که نزد بریره سفارش و میانجی‌گری کند.

۱. اشاره به این فرموده رسول‌الله ﷺ است که ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً مُّهْدَاةً». [المعجم الصغير، طبرانی: ۲۶۴ + مسند البزار: ۹۲۰۵].
«همانا من به‌عنوان رحمت اهداشده برانگیخته شده‌ام!». (مترجم).

محبت و نفرت

رسول الله ﷺ به بریره گفتند: «ای بریره، اگر نزد مغیث برمی گشتی [، خوب می شد]؛ چون او شوهرت و پدر فرزندت است!».

بریره گفت: «ای رسول خدا، آیا شما مرا [به این کار] دستور می دهید؟».

رسول الله ﷺ فرمودند:

«[نخیر،] من فقط سفارش و میانجی گری می کنم!».

بریره گفت: «من نیازی به او ندارم!».^۱

^۱. این ماجرا در بیشتر کتب حدیث، از جمله صحیح البخاری (۵۲۸۳)، سنن الترمذی (۱۱۵۶) و سنن أبی داود (۲۲۳۱) آمده است. (مترجم).

درس اول:

محبت و عشق یک طرفه، ذلت بار است!

درست است که الله متعال در وجود ما قلبی قرار داده که با یک نگاه شیفته معشوق می شویم؛ اما در مقابل، در وجود ما اراده‌ای نیز گذاشته است که کرامت و بزرگی خود را از دست ندهیم.

قلب‌تان را به کسی که دوستش دارید تقدیم نمایید، اما عشق و محبت را گدایی نکنید!

یک بار امتحان کنید، یک بار دوستی کنید؛ اما لازم است بدانید که چه زمانی باید دست بردارید [و کوتاه بیایید].
گذشتگان مان گفته‌اند:

«گاهی تنها ورق زدن کافی نیست، بلکه باید کتاب را عوض کنید!».

درس دوم:

زن‌ها کالای فروشی نیستند که هرکس مهریه بیشتری پرداخت کرد، مال همان شخص شوند.

این ظلم و بی‌انصافی است که زن با اجبار به مردی داده شود، در حالی که قلبش نزد مرد دیگری است.

شکستن دل‌ها، گناه و درد بیشتری از کشتن انسان‌ها دارد. عادت عرب‌های پیشین را رها کنید که دختران خود را به کسی که دوستش داشتند، به جرم دوست داشتن نمی‌دادند و از کسی پیروی کنید که از همه انسان‌ها برتر است؛ چنانکه می‌فرماید:

«برای دو عاشق، چیزی مناسب‌تر از ازدواج نیست».^۱

۱. در سنن ابن ماجه (۱۸۴۷) و در معجم کبیر طبرانی (۱۰۸۹۰) از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که رسول الله ﷺ فرمودند: «لَمْ يَرِ لِلْمُتَحَابِّينِ مِثْلَ النِّكَاحِ». (مترجم).

درس سوم:

مرد باشید

و به خاطر عرف و عادت‌ها، به قلب نازک و مهربان کسی
که دوست‌تان دارد، خیانت نکنید!
همهٔ مردم قلب دارند.

اگر شما با محبوبهٔ خودتان ازدواج نکنید،
به احتمال زیاد با محبوبهٔ مرد دیگری ازدواج خواهید کرد!
بسیاری از عادت‌های ما، بت‌هایی هستند که باید شکسته
شوند، نه اینکه دل‌ها را به‌عنوان قربانی تقدیم آن‌ها کنیم!

درس چهارم:

سفارش و میانجی‌گری کنید!

[بدانید که] ترمیم و درمان قلب‌ها بر ترمیم استخوان‌ها

ارجحیت دارد؛ زیرا شکستن قلب‌ها دردناک‌تر است.

اگر می‌توانید دو قلب را به هم برسانید، دریغ نوزید!

اگر می‌توانید به یک جنگ و نزاع خانوادگی پایان دهید،

کوتاهی نکنید!

ارزش واقعی انسان‌ها به داشته‌های آنها نیست، بلکه به

عملکردهای‌شان است.

ارزش یک درخت به چوبش نیست، بلکه به میوه‌هایش

است.

ارزش یک کتاب به برگه‌هایش نیست، بلکه به سخنان و

نبشته‌هایش است.

محبت و نفرت

مردم نیز این گونه هستند و برتری آن‌ها نسبت به یکدیگر براساس اعمال و عملکردشان است.

به کسانی که در تاریخ جاودانه مانده‌اند بنگرید، می‌بینید که همه آن‌ها چیزی برای جهان به ارمغان آورده‌اند. یکی دارویی ساخته.

دیگری کتابی نبشته.

این یکی [آتش] جنگی را خاموش کرده.

آن یکی راهی را هموار نموده.

مردم از بین می‌روند و جز نبشته‌ها و آثار زیبای‌شان چیزی باقی نمی‌ماند.

پس [از این دنیا] بدون گذاشتن اثری، کوچ نکنید و رخت سفر نبندید!

درس پنجم:

اینکه گاهی پادرمیانی و سفارش شما پذیرفته نمی‌شود،
مانع سفارش و میانجی‌گری تان نشود.

افتخار تلاش برای تان کافی است.

همین کفایت می‌کند که ما به خاطر کاری که انجام می‌دهیم

پاداش می‌گیریم، نه به خاطر آنچه که محقق می‌سازیم!

در حدیث وارد شده که روز قیامت برخی از پیامبران در

حالی می‌آیند که هیچ امت و پیروی همراهشان نیست!

اگر سفارش و میانجی‌گری شما رد شد، آن را توهین

تلقی نکنید!

به هر جایگاهی که قرار دارید، از رسول الله ﷺ برتر نیستید!

۱. صحیح البخاری (۵۷۵۲) + صحیح مسلم (۲۲۰).

محبت و نفرت

به ایشان بنگرید که نزد زنی که قبلاً کنیز بوده سفارش و میانجی‌گری می‌کنند.

اما آن زن سفارش و میانجی‌گری ایشان را نمی‌پذیرد.

آیا آن حضرت ﷺ این کار را توهین تلقی کردند؟

آیا پس از اینکه سفارش‌شان را نپذیرفت، با او دشمنی کردند؟

پاداش سفارش و میانجی‌گری را با تکبر از بین نبرید!

درس ششم:

هیچ کار نیکی را کوچک نشمارید!
رسول الله ﷺ عبادت گزارترین مردم بودند.
روزهای طولانی را چنان روزه می گرفتند که گویا هیچ
وقت افطار نمی کردند.
شبهای تاریک را چنان زنده نگه می داشتند که گویا
هیچ لحظه ای نمی خوابیدند.
اما باز هم از سفارش و میانجی گری دریغ نورزیدند!
مشغولیت و کمبود وقت را بهانه نکنید.
کسی که در صدد برطرف کردن نیاز مردم باشد، الله متعال
نیازهای او را برآورده می کند.
گذشته از این، آیا شما از رسول الله ﷺ مشغولیت بیشتری
دارید؟

محبت و نفرت

ایشان در مفهوم دینی، پیامبر امت و در مفهوم سیاسی،
رییس حکومت بودند.

با این وجود، برای انسان‌های بی‌چاره و ضعیف وقت
داشتند.

از شوهری نزد همسرش و از کنیزی نزد اربابانش سفارش
و میانجی‌گری می‌کنند.

[اما] ما وقتی با انسان‌های بی‌چاره و ضعیف مواجه می‌شویم،
اوج می‌گیریم [و آن‌ها را انسان به حساب نمی‌آوریم]!

وصلی اللہ تعالیٰ علی خیر خلقه محمد

وعلی آلہ وصحبہ أجمعین

آثار دیگر مترجم:

- ۱- اسلام به ذات خود ندارد عیبی...!
- ۲- خودکشی نوین
- ۳- طلاق شوخی بردار نیست!
- ۴- بی‌رحمی بزرگ
- ۵- نجات از اضطراب امتحان
- ۶- چگونه حمله‌های شیطان را دفع کنیم؟
- ۷- ز گهواره تا گور استادتم!
- ۸- آیا از عبادت کردن خسته می‌شوید؟
- ۹- سراب خوشبختی
- ۱۰- ما کجا و آن‌ها کجا؟
- ۱۱- گفتمان (بزرگ‌ترین راه حل)
- ۱۲- چرا نمی‌پرسیم؟
- ۱۳- لعنت (تکیه کلام منفور)
- ۱۴- سرزنش و پیامدهای آن
- ۱۵- ماه رجب (ویژگی‌ها و بدعت‌ها)
- ۱۶- ماه شعبان (فرستی دیگر)
- ۱۷- روزهای مبارک
- ۱۸- برای برادرانم (۱)
- ۱۹- برای خواهرانم (۱)
- ۲۰- آه از دست ملاها!
- ۲۱- پوزش می‌طلبیم!
- ۲۲- با دروغ زندگی نکنیم!
- ۲۳- دیگران چه می‌گویند؟
- ۲۴- خود اشتباه نکنیم!
- ۲۵- هدیه‌ای به مصطفی ﷺ
- ۲۶- جوانان، زیر چکمه‌های روزگار
- ۲۷- نمی‌دانم!
- ۲۸- نیکی کن و در دجله انداز!
- ۲۹- داستان جریح عابد
- ۳۰- بانوی قهرمان
- ۳۱- صدای کفش‌هایت را شنیدم!
- ۳۲- خواهرم، خودت را بشناس!
- ۳۳- باید‌ها و نبایدهای میراث
- ۳۴- این دست عثمان است!
- ۳۵- جوانان را دریابیم!
- ۳۶- مرد بدهکار
- ۳۷- صدایی از ابر
- ۳۸- محبت و نفرت